

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۱۵۰۴۰۱۰

افغانستان،

کشور تریاک و تروریسم طالبی

سرزمین افغانستان، همانطور که دارای موقعیت خاص جغرافیائی و ستراتیژیک است، اوضاع و احوال سیاسی، تاریخی و اجتماعی آن هم غالباً دارای مشخصات و دگرپسای های ویژه ای میباشد. افغانستان که مدت سی سال مورد انواع تهاجم، ویرانگری و سرکوب قرار گرفته و قربانی اصلی تجاوز، تروریسم و جنایت های مختلف میباشد، در واقع مستحق ترین کشور جهان غرض دریافت مساعدتهای انسانی بین المللی و به خصوص، دوباره سازی و آباد سازی به حساب میرود. چنانکه یکی از بهانه ممالک غربی، مبنی بر حضور گسترده نظامی شان در افغانستان نیز رهائی از چنگال تروریسم و نوسازی و باز سازی این کشور بوده است. این حضور گسترده نظامی و استخباراتی که از سال ۲۰۰۱ میلادی تا امروز ادامه دارد، اینک، در آستانه دهمین سال پرماجرای خویش قرار میگیرد. بلی! پس از ده سال حضور مستقیم و همه جانبه ممالک قدرتمند جهان در افغانستان، تازه، سازمان ملل با صراحت و به گونه رسمی اعلام داشت:

"افغانستان بزرگترین تولید کننده چرس در جهان میباشد. . . افغانستان در رشد فساد و فقر نیز در مقام نخست قرار دارد. . . {مردم افغانستان}، ۳۶ درصد به فقر مطلق و ۳۷ درصد به فقر خفیف دست و گریبان مانده اند". منبع سازمان ملل افزوده است:

"در کنار این رویدادها، افغانستان در نا امنی و مرگ و میر کودکان و زنان نیز در درجه های نخست قرار دارد." پس، باید با جدیت پرسید که این چه انگیزه و معجزه ای است که یک کشور کوچک در حضور و موجودیت چهل کشور قدرتمند جهان و در ساحت گسترده و فرا اطلاعاتی و نظامی و تکنالوژی پیشرفته و لافیدن های صبح و شام آنها، باز هم ظرف ده سال کامل، نه صلح و امنیت در کشور تأمین شده، نه بلای فقر دست از گریبان مردم برداشته و نه تولید چرس و گسترش فساد و قاچاق و خونریزی قطع شده و نه جنایتکاران به جزای عمل شان رسیده اند؟ آیا تداوم

این وضع منفی برای کشور های قدرتمند و از جمله، برای امریکا به مثابه یگانه ابرقدرت مالی و نظامی شرم آور و لکه پذیر نیست؟

به عنوان مقایسه باید متذکر شد که اگرچه شعله های جنگ دوم جهانی از خاک المان زبانه کشید و علی رغم آنکه متحدین ضد نازیسم در سالهای جنگ، مشترکاً بالای المان حملات شدید و همه جانبه انجام دادند که در نتیجه آن، چیزی از آن کشور جزویرانه ای باقی نماند، اما پس از سالهای جنگ، همین کشور های پیروزمند، به خصوص امریکا، در روند نوسازی و بازسازی المان سهم فعال گرفت و این سهمگیری آنقدر جدی و موثر بود که المان ویرانه البته با همکاری، دلسوزی و سهمگیری وطنپرستانه مردمش، ظرف چند سال محدود به یک کشوری آباد و مدرن و مصون مبدل گشت.

معنی این سخن اینست که جهان سرمایه به سر دمداری امریکا، اگر بخواهد کشور ویران شده ای را به آبادی آبرومند مبدل نماید، قدرت، توان و تکنالوژی آنرا در اختیار دارد. و اما، همین جهان سرمایه، مخصوصاً ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان و ایران شده اصلاً چه می خواهد و چه میکند؟

ما میدانیم که در افغانستان افراد و دسته های قاتل و رهن و قاچاقبر و دسیسه ساز و جنگ افروز لانه کرده اند. ما میدانیم که جنایتکاران رسمی و غیر رسمی هنوز هم به جنایت های آشکار و پنهان شان ادامه میدهند. میدانیم که احساس دلسوزی و وطنپرستی و ملت دوستی میان مسئولین و حلقات دولتی سراغ نمیشود و بالاخره ما میدانیم که هنوز هم همسایه های مغرض در امور افغانستان دخالت های تخریبی و کین توزانه دارند. اما، در عین حال به قدرت، توان و صلابت چهل کشور غنی، مجهز و پیشرفته جهان هم ملتفت هستیم و میدانیم که در خطه ای که اینها چنین حضور گسترده و قدرتمندانه داشته باشند، دیگران را برای گستاخی و جرأت شیطانی باقی نمی ماند و نوکران رسمی دولتی نیز از دستورات اربابان شان سر پیچی کرده نمیتوانند. وقتی زورمندان جهان قدرت آنرا داشته باشند که گروهی را از اریکه قدرت فرود آرند و گروه دیگری را بر اورنگ حاکمیت بنشانند، وقتی توان آنرا داشته باشند که رؤسای جمهور پر قدرت کشور ها را چنان خورد و زبون سازند که از ترس جان به کلیسا ها و زیر زمینی ها پناه برند و بالاخره توان آنرا داشته باشند که ریسمان مرگ را به گردن رهبران کشور های جهان سومی بیندازند و آنها را پیش چشم جهانیان به کام مرگ بکشانند، آیا قادر نیستند امنیت جانی و مالی یک ملت کوچک و جنگزده و دردمندی را تضمین نمایند که عمری را در غرقاب رنج و درد و عذاب به سر برده است؟ و آیا قدرت آنرا ندارند تا از طریق طرح برنامه های سازنده، علمی و انسانی، مصیبت فقر و بیچارگی آنها را زود تر زایل سازند؟

ملت شریف افغانستان هیچگاه از حامد کرزی، وزراء و وکلای پارلمان نشین انتظار عمل مردمی و تأمین امنیت و رفع فقر و مسکنت را ندارند، چرا که اکثریت آنها دست نشانده ها و دست نگرها و بی اراده هایند و برای زر اندوزی کیسه های گشادی دارند. ملت افغانستان از قدرتمندانی انتظار دارند که کشور اجدادی شان را به صورت مسلحانه اشغال کرده و وعده تأمین صلح و امنیت و باز سازی مملکت شان را داده اند.

هرگاه ملت فقیر، جنگزده و اما دلیر افغانستان ببیند که هم کشور شان اشغال شده و هم روز تا روز تحقیر و توهین و گرسنه میشوند و هم خواب و امنیت و آرامش نسبی شان حتا در چهار چوب خانه های شخصی شان توسط تروریستهای صادر شده و نیرو های خارجی برهم زده میشود و علاوه بر سراسر جهان به نام ملت چرسی و تریاکی و طالبی و امثالهم شناخته میشوند، یقین کامل داریم که بالاخره باز چون شیر زخمی پا به میدان خواهند گذاشت و بار دیگر غیرت و اراده مستحکم شان به ضد اشغالگران و ضد مستبدین و خائنین و مرتجعین به اثبات خواهد رسید. بلی! تا افغانستان بوده چنین همت و اراده و تصمیم هم وجود داشته است.

شیشه ساعت خبر از ساز فرصت میدهد خودسران! غافل مباحثید از صدای طاسها

در همین راستا علاوه باید کرد که گزارش های تازه میرسانند که یکی از تروریستهای مشهور طالبان و اختطاف کننده افراد سازمان ملل به نام (اکبر آغا) که قبلاً دستگیر و به شانزده سال زندان محکوم شده بود، اخیراً در اثر صدور فرمان مخفی حامد کرزی از حبس رها شده است. البته این اولین فرمان کرزی در چنین موارد و اولین رهایی عناصر تروریست و خونریز هم نیست، بلکه تا حال چندین بار این عمل غلط، ضد ملی و ضد اقتضات قضائی، حقوقی و امنیتی از طرف کرزی صورت گرفته است. طالب دوستی و طالب پروری کرزی چنان موج است که دیگر کارش را نزد ملت افغانستان و مردم جهان به رسوائی تمام کشانیده است. وقتی در یک کشور، شخص اول یا رئیس جمهور آن، پشتیبان قاتلان و تروریستان و اختطاف کنندگان و دهشت افگان باشد، چطور می توان انتظار داشت امنیت در آن کشور تأمین و عدالت رعایت شود؟

همینجاست که میگوئیم اوضاع، احوال و دگر دیسی های دولتی، اجتماعی، سیاسی و قضائی افغانستان کاملاً خاص و تعجب بر انگیز است و روشهای اشغالگران نیز در چنین خطه ای از جهان شکل و ماهیت ویژه ای دارد. به عقیده ما، تا زمانیکه نیروهای واقعاً ملی، انقلابی، دموکرات، چیز فهم، وطنپرست و ضد اسارت و انقیاد، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن، متحد نشده یک جبهه وسیع نجات ملی را ایجاد نکنند و تا این نیروی واقعی متبازل و متکامل نشود، دور باطل و فرسایشی در کشور ما ادامه خواهد داشت و اوضاع به هیچصورت به سوی بهبودی و بهروزی نخواهد شتافت.

هر چند این واقعیت تلخ قابل فهم است که قدرتهای استعماری (شرقی - غربی) با همدستی نوکران بومی شان تا توانستند ظرف سی سال اخیر، میدان را از نیرو های اصیل ملی، کارساز و مترقی خالی کردند تا مانند امروز، توسن خود سری های شان را به هر سوی و سمتی که دلشان بخواهد، به جولان در آورند، ولی باز هم زنده مانده های (ولو پراکنده و پریشان)، هرگاه بخواهند و همت بخرچ دهند، میتوانند و قادراند، خلای درد ناک کنونی در کشور غمزده مان را پر نمایند. به همین آرزو!